



# دنیا را آب برده ... و چشته خورده ها را خواب!

**باید چه پیش می آمد ، بیش از آنچه که اتفاق افتاد ؟ تا چشنه خورده های رژیم بر باد رفته را ، بار دیگر خواب نمی برد و در رویاهای خوش گذشته منتفرق نمی شدند و برایشان این توهم حاصل نمی گردید که گوئی آب رفته به جوی بازگشته است و دارد مقتضیات موجود و موانع مفقود می شود تا بار دیگر به همان آش و به همان کاسه ای برسند که آن را علی رغم میل خود گذاشتند و در رفتند و در آتش حسرت آن ، می سوزند و می سازند ...**

راستی باید چه پیش می آمد تا اینها می فهمیدند که آن سبو ، شکسته و آن پیمانہ ریخته است ... و آن مملکت گل و گشادی که حتی بیابان های آنهم طلاخیز است ، دیگر در دسترستان نیست تا مشاغل ارزنده و مقامات برجسته مملکتی را ، کما فی السابق بر طبق منویات ملوکانه بین خود تقسیم کنند و یک جفت مجلس مطیع و منقاد ، مرکب از مقربان درگاه را برای تائید و تصویب و تسجیل برنامه های همایونی یدک بکشند و یک ارتش چهارصد پانصد هزار نفری را ، برای زهر چشم گرفتن از همه آنهایی که نفسشان در می آید به خدمت بگیرند و سنگ دادگستری را ، ببندند و سگ ساواک را باز کنند و بعد خیال راحت پول نفت را وسط بگذارند و به ترتیبی که اراده سفیه ملوکانه اقتضا کند ، علی فدر مرا تبهم ، از آن کنج باد آورده هر یک را سهمی و نصیبی ارزانی شود .

بلی ، باید برای این چشته خورده های رژیم بر باد رفته یک چنین رویایی دست داده باشد که : فرمانده ارتش رهائی بخش ، سیاست استشار را کنار می گذارد و از ارتش غیبی خود سان می بیند و مدعی تاج و تخت ، ارتش شاهنشاهی را مثل روز تاجگذاری دست نخورده و گوش به فرمان می یابد و اطمینان می دهد که در موقع مقتضی از قیام ملت ، حمایت خواهد کرد و همه داوطلبان صدارت و وزارت و وکالت و ریاست ، برای اینکه کلاشان پس معرکه نماند ، در تملق و قلب واقعیت ها و ارائه دروغ های شاخدار ، با یکدیگر مسابقه گذاشته اند و با عجله مشغول بستن چمدان ها شده اند ! والا اگر حالیشان شده بود که دنیا را آب برده ، خوابشان نمی برد ، و یا بر فرض هم که می برد ، با کابوس های سخته زا سر و کار پیدا می کردند ، نه با رویاهای سکر آور ...

در مجلس سیزدهم ، هنگامی که محمد علی فروغی ، سرگرم دفاع از قرارداد ایران با متفقین دوران جنگ بود ،

محمد علی دیگری که نام خانوادگیش روشن بود ، از صف تماشاچیان بیرون پرید و با سنگ به مرحوم فروغی حمله کرد ... وقتی او را گرفتند و بیرون بردند مرحوم فروغی ، قبل از آنکه بادامه مدافعات خود پیردازد ، گفت حمله معترضه ای بود و گذشت و حال به سر صحبت خود برگردیم ... خبرنگاران مطبوعات که با جمله معترضه بیشتر مانوس بودند در گزارش جریان مجلس ، نقطه ای وقف این حمله کردند و از آن پس ، سالها در محافل سیاسی و مطبوعاتی ، هرکس می خواست حادثه ای را کم اهمیت جلوه دهد ، یادی از این جمله معترضه می کرد و حالا طوری چشته خورده های رژیم سابق ، از انقلاب صحبت می کنند ، انقلابی که از ارتش در مقابل آن جازد ، شاه فرار کرد ، وکلای دو مجلس هر یک از گوشه ای فرار رفتند و غلامی که آمده بود آن جو آرد ، در سیلاب جو افتاد و سر از فرنگ در آورد . که گویی آنها هم با جمله معترضه ای س و کار داشته اند و متعجبند که چطور وقتی آنها ، وصل آفتاب را نمی خواهند ، رونق بازار آفتاب ، کاهش پیدا نمی کند و چرا باید هنوز کسانی از ارج انقلابی صحبت کنند که عملا این قصه گلستان را وصف حال ملت ایران کرده است :

## شنیدم گوسفندی را بزرگی

رهانید از دهان و چنگ گرگی

شبانگه کارد بر حلقش بمالید

روان گوسفند از وی بنالید

که از چنال گرگم در ربودی

چو دیدم عاقبت گرگم تو بودی

و در لفافه عباراتی نرم و الفاظی گرم ، حرفشان و قصد غائی اشان این است که وقتی غرض خوردن گوسفند است ، بچه گرسنه گرگ که بیشتر مستحق این موهبت الهی است که صید پدرش بوده و او وارث بالاستحقاق آنست . حرفی که شاید دیوان بلخ نیز بر حسب سوابق بدون توجه بلواحق بر آن صحنه بگذارد ولی تغییری که در صورت مسئله حاصل شده این است که دیگر گوسفندی در میانه نیست و اگر بود چنان انقلاب نیرومند و خیره کننده ای روی نمی داد ... مردمی که اینک با رژیم خمینی درگیرند ، از چاه درآمده های بچاله افتاده اند و به هیچ وجه نمی خواهند از چاله در بیایند و باز به چاه بیافتند . شاه فقید که در اوایل سلطنت خود به موری سفیر آمریکا گفته بود من به تجربه دریافته ام که چهل

سال طول می کشد ، تا مردم مملکت من یاد بگیرند که چگونه خودشان بر خودشان حکومت کنند آن روز که بقول خود ، پیام انقلاب را شنید اگر در نیافته بود که زودتر از آنچه او احتمال می داده مردم ما دانسته اند که چگونه خودشان بر خودشان حکومت کنند هرگز با آن لحن ملتمس آمیز لازم نمی دید به گناهان خود اعتراف کند که : من بار دیگر در برابر ملت ایران سوگند می خورم و متعهد می شوم که نه فقط خطاهای گذشته و بی قانونی و ظلم و فساد دیگر تکرار نشود ، بلکه همه آن خطاها ، جبران گردد . من متعهد می شوم که پس از برقراری نظم و آرامش در اسرع وقت یک دولت ملی برای آزادی های اساسی و انجام انتخابات آزادانه تعیین شود تا قانون اساسی که خونهای انقلاب مشروطیت است بصورت کامل به مرحله اجرا درآید . من تضمین می کنم که حکومت ایران در آینده براساس قانون اساسی ، عدالت اجتماعی و اراده ملی وبدور از استبداد و ظلم و فساد خواهد بود و اگر مردمی که اینک حاکم بر مقدرات خود بودند ، این سوگندها را باور می کردند و این تعهدها را می پذیرفتند و باین تضمین ها رضایت می دادند شاید رژیمی که محمدرضا شاه برای آن یک شناسنامه دو هزار و پانصد ساله تدوین کرده بود ، تا آن را همیشه درختی سرسبز و تناور نگهدارد ، در مسیر سیل انقلاب نمی شکست و از بدنه این مشروطه خرد شده پیوند مشروعه آن از نو نمی گرفت و شاخ و برگ نمی داد .

ولی حالا که شکسته ، مردمی که پاره ای از اصول قانون اساسی مشروطه را ، مبانی اصلی همین مشروعه ای می دانند که به نام جمهوری اسلامی ، قد علم کرده است ، برای آنکه سرنوشت آن دوزخیانی را پیدا نکنند که از ترس عقرب های جرار جهنم ، به آغوش مارهای غاشیه پناه می برند عزم جزم کرده اند که تا انقلاب را به ثمر نرسانند و این مقصود را به کرسی اثبات نشانند لیاقت آن را یافته اند که خودشان بر خودشان حکومت کنند ، از پای ننشینند . باید دیگر چه پیش بیاید ، بیش از آنچه که پیش آمد ؟ تا چشته خورده ها بفهمند که با یک ملت عاقل و بالغ سر و کار دارند نه با یک گله گوسفند که احتیاج به چوپان داشته باشند و یک مشت بچه صغیر که دنبال ولی بگردند .

اسمعیل پوروالی

## تهران

هفته نامه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و هنری

سال ششم، شماره ۳۰۴، جمعه ۲۷ سپتامبر ۲۰۰۲

زیر نظر شورای  
نویسندگانصاحب امتیاز و ناشر  
شهید نوری  
Executive Director & Publisher  
SHAHBOD NOORI

مستانه اختیاری	اشتراک و نمایندگی ها
پروانه عبریانی	مروغپین
صوفیا سرگون	امور دفتری
فرخ محبوب	مسابرداری
شهریار امیر سلیمانی	گرافیک
آلینا	طراحی
واهیگ آبکاریان	پفش
زری ابراهیمی	بازرگانی
متر و نوم استودیو	طراحی روی بلد

- نویسندگان مجله مسئول نوشته های خود هستند و نظرات آنها نظر قطعی مجله تهران نیست.

- مدیریت، کارکنان و آگهی دهنده گان مجله تهران هیچگونه مسئولیتی نسبت به نامه ها، فکس ها، شایعه ها و دیگر مطالب رسیده به دفتر مجله را ندارند.

- مجله تهران همچنین در اصلاح مطالب رسیده آزاد است.

- مسئولیت صحت آگهی های چاپ شده در تهران با صاحبان آگهی هاست.

- دریافت آگهی توسط نمایندگان به منزله ی تعهد به چاپ آن نیست و چاپ آگهی به منزله ی چاپ آن در شماره های بعدی نمی باشد.

- استفاده از طرحهای آگهی ها و مطالب تهران باید با اجازه کتبی از ناشر مجله باشد.

- درج آگهی نیازمند به رایگان تحت شرایطی رایگان میباشد.

- در صورت اشتباه چاپی در آگهی، مجله تهران یک بار چاپ مجدد آن را تعهد می نماید.

- عکس های هنرمندان و غیره رسیده به دفتر مجله، اگر بدون نام عکاس باشد دفتر مجله تهران در زمان چاپ عکس (بدون نام عکاس) هیچگونه مسئولیتی نسبت به آن عکاس ندارد.

***We occasionally use material we believe has been placed in the public domain.***

Sometimes it is impossible to identify and contact the copyright holder. If you claim ownership of something we have published, we will be pleased to make a proper acknowledgement. All letters & pictures received are assumed to be for publication unless otherwise stated. TEHRAN Magazine can not be held responsible for unsolicited contribution. If you send it to us and we toss it by mistake, **tough** Keep a copy next time!

(818) 881-1771

Fax (818) 881- 0701

Tehran Magazine

P.O.Box 261394

Encino, CA 91426-1394

WWW.TEHRANMAGAZINE.COM

E.MAIL: TEHRAN@PACBELL.NET

## در این هفته میخوانید

- (گزارش ویژه) ایران در هفته ای که گذشت ..... صفحه ۸
- (گزارش) بردگی قرن بیست و یکم (قاچاق زنان بی پناه) ..... صفحه ۱۰
- (گزارش) روابط بیداد و پنهان میان بخشهای کردنشین و غربی اعراب ..... صفحه ۱۲
- (گزارش) کودکان خیابانی قربانیان شکاف طبقاتی و نبودن عدالت اجتماعی هستند ..... صفحه ۱۴
- (گزارش) پشت پرده های انقلاب ..... صفحه ۱۶
- رویدادهای ایران و جهان ..... صفحه ۲۰
- مهندس ارجمند (مشاور و کارشناس با تجربه شهرداری لس آنجلس) ..... صفحه ۲۶
- السی (داستان) (هدا) ..... صفحه ۲۸
- این تویی که .... (داستان) (حسینقلی مستعان) ..... صفحه ۳۰
- عشق نطلبیده (داستان) (س - الف - لا جوردی) ..... صفحه ۳۲
- در راهروهای دادگاه ..... صفحه ۳۶
- مادر فکر میکردم مرا را کرده ای (داستان) ..... صفحه ۳۸
- پاورقی زندان (خوب نگاه کنید راستی است) ..... صفحه ۴۰
- او با پول همه چیز می خرد حتی... (داستان) ..... صفحه ۴۲
- پزشکی ..... صفحه ۴۴
- شعر و ادب ..... صفحه ۴۶
- آموزش آشپزی ..... صفحه ۴۸
- اخبار ورزشی ایران و جهان (عباس خلیقی) ..... صفحه ۵۲
- بازخوانی داستان داش آکل (نقد فیلم) ..... صفحه ۵۴
- داستانهای شهر هرت (لطفا تا اطلاع ثانوی سرطانی نشوید) ..... صفحه ۵۶
- گپ خودمانی با فرزندان دلجو ..... صفحه ۵۸
- گپ و گفتگو میان دو فنجان ..... صفحه ۶۰
- دلچکی که آدم بشو نیست (در جواب بنی صدر) ..... صفحه ۶۲
- برگزیدگان ..... صفحه ۶۴
- جدول ..... صفحه ۸۲
- نیازمندیهای بازار تهران ..... صفحه ۸۴
- پنجره ای رو به ماوراء (دانیل) ..... صفحه ۸۸
- پیشگویی هفته (دانیل) ..... صفحه ۹۲
- انگلیسی ..... صفحه ۹۴

## فرم اشتراک مجله تهران

هزینه اشتراک داخل آمریکا پست معمولی (سالانه ۷۸ دلار) پست سریع ۲ روزه (سالانه ۱۳۰ دلار)

Name.....Last Name.....

Address.....Suite #.....

City.....State.....Zip.....Tel: ( ).....

Visa or Master card #.....Expires.....

Please Send Your Check or Money Order (US\$) To: P.O.BOX 261394  
TEHRAN International Weekly Magazine Encino CA 91426-1394